

# قانون حمایت از حقوق افراد با ناتوانی: مروری بر چالش‌ها و ناهمانندی‌ها در اجرا و دستاوردهای آن در چند کشور

## مهناز اخوان تفتی<sup>۱</sup>

### مقاله مروری

### چکیده

**مقدمه:** در گزارش سازمان بهداشت جهانی، تعداد افراد دارای انواع ناتوانی در جهان که بزرگ‌ترین اقلیت غیر نژادی به شمار می‌روند، بیش از یک میلیارد نفر برآورد شده است که ۲۰ درصد از آن‌ها را فقیرترین افراد جهان تشکیل می‌دهند. پژوهش حاضر با هدف مرور و مقایسه کارکرد کشورهای مورد مطالعه در چگونگی اجرا و پیشبرد پیمان قانون حقوق افراد با ناتوانی (سازمان ملل متحد) انجام شد.

**مواد و روش‌ها:** کشورهای مورد پژوهش شامل آمریکا، انگلستان، فرانسه، روسیه، ایران و برخی کشورهای در حال توسعه بود. جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز درباره این کشورها با جستجوی گسترده در پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و جهانی انجام گرفت.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش در بخش‌هایی شامل توصیف برخی ویژگی‌های افراد با ناتوانی در کشورهای مورد مطالعه و بررسی وضعیت حقوق افراد با انواع ناتوانی در زمینه‌های آموزش و پرورش، به کارگماری، دسترسی‌پذیری به خدمات و مناسب‌سازی فضای زندگی اجتماعی - شهری ارایه شده است. کارکرد کشورهای مورد مطالعه در اجرای این قانون، نشان دهنده شکاف زیادی بین آن‌ها بود و هر یک از این کشورها با چالش‌های ویژه‌ای در پیشبرد آن روبه‌رو هستند.

**نتیجه‌گیری:** دستیابی به اهداف قانون حقوق افراد با انواع ناتوانی، نه تنها نیازمند تصویب و اجرای قوانین و اصلاح ساختارها است، بلکه در گرو تغییر در نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی برای پذیرش و احترام به کرامت انسانی این افراد نیز می‌باشد تا همراه با بسترسازی‌های محیطی، مناسب‌سازی برنامه‌های آموزشی - حرفه‌ای و مدیریت بودجه و امکانات، مؤثر واقع شود.

**کلید واژه‌ها:** قانون حقوق افراد با ناتوانی، چالش‌ها و ناهمانندی‌ها در اجرا، آموزش و پرورش، به کارگماری، دسترسی‌پذیری به خدمات، مناسب‌سازی فضای زندگی

**ارجاع:** اخوان تفتی مهناز. قانون حمایت از حقوق افراد با ناتوانی: مروری بر چالش‌ها و ناهمانندی‌ها در اجرا و دستاوردهای آن در چند کشور. پژوهش در علوم توانبخشی ۱۳۹۵؛ ۱۲ (۳): ۱۸۴-۱۷۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۷

دست آورده‌اند (۳-۱). در گزارش سازمان بهداشت جهانی، تعداد افراد با انواع ناتوانی در جهان که بزرگ‌ترین اقلیت غیر نژادی به شمار می‌روند، بیش از یک میلیارد نفر برآورد شده است که ۲۰ درصد از آن‌ها از فقیرترین افراد جهان می‌باشند (۱). بیش از یک سوم افراد ناتوان را کودکان تشکیل می‌دهند که ۵ درصد با معلولیت مادرزادی و ۹۵ درصد به انواع ناتوانی پس از تولد در دوره‌های گوناگون دچار شده‌اند و ۸۰ درصد از این افراد در کشورهای در حال توسعه کم‌درآمد زندگی می‌کنند (۵، ۴)؛ در حالی که بیم آن می‌رود، آمار واقعی ناتوانی در کشورهای در حال توسعه بسیار فراتر از آمارهای موجود باشد. چرایی تفاوت در نرخ پایین‌تر ناتوانی در این کشورها، اغلب ناشی از فقدان روش‌های مناسب و علمی سرشماری است (۱).

از ابتدای دهه ۱۹۷۰ تاکنون، تلاش جهت تعیین ملاک‌هایی برای برآوردهای هرچه دقیق‌تر از نیازهای جهانی برای خدمات توان‌بخشی و سلامت

### مقدمه

واژه ناتوانی (Disability) که معادل رایج آن در فارسی تحت عنوان «معلولیت» نیز استفاده می‌شود، مفهومی پیچیده، پویا و چندسویه است و بسیاری از پژوهشگران حوزه سلامت، علوم انسانی و علوم اجتماعی، سعی در ارایه الگوهای مفهومی برای درک بهتر آن دارند. در گزارش سازمان بهداشت جهانی و بانک جهانی، الگوی «زیستی- روانی- اجتماعی» ناتوانی پیشنهاد شده است و چگونگی پدید آمدن آن را برآمده از «تعامل بین افراد با آسیب‌های گوناگون با انواع بازدارنده‌های محیطی و نگرشی که آن‌ها را از مشارکت همه جانبه و کارآمد در اجتماع در شرایط برابر با دیگران باز می‌دارد»، توصیف کرده‌اند (۱). گروه افراد با انواع ناتوانی، متفاوت، چندگونه (Diverse) و ناهمگن (Heterogeneous) می‌باشند و هر یک از این افراد، ناتوانی خود را یا به ارث برده و یا از عوامل پیرامونی مانند تصادف، خشونت، جنگ و یا ترکیب این دو به

۱- دانشیار، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

تفاوت‌ها و پذیرش افراد با انواع ناتوانی به حکم انسانیت و احترام به چندگونگی؛ برابری فرصت‌ها؛ دسترسی‌پذیری؛ برابری جنسیتی؛ احترام به ظرفیت‌های کودکان با ناتوانی؛ حفظ حقوق و هویت‌بخشی به آن‌ها است (۹، ۲). هدف از انجام پژوهش حاضر، مرور و مقایسه کارکرد برخی از کشورها از جمله کشور ایران، در زمینه اجرا و پیشبرد این قانون بود.

## مواد و روش‌ها

برای جمع‌آوری منابع مورد نیاز، جستجوی گسترده‌ای برای یافتن مقاله، کتاب، اسناد و گزارش‌های مرتبط در پایگاه‌های علمی معتبر مانند Elsevier، PubMed، Web of Knowledge، Scopus و Eric برای بخش آموزش و پرورش این افراد و سایت‌های علمی مرتبط داخلی و جهانی دیگر انجام گرفت. مطالب جمع‌آوری شده در قالب یافته‌های پژوهش در بخش‌های توصیف برخی ویژگی‌های افراد با ناتوانی در کشورهای مورد مطالعه و بررسی وضعیت حقوق افراد با ناتوانی در زمینه‌های آموزش و پرورش، حق اشتغال/به‌کارگیری، حق دسترسی‌پذیری (به کالاها تجهیزات و خدمات) و مناسب‌سازی فضای زندگی مسکونی- اجتماعی ارائه گردید. کشورهای مورد پژوهش شامل آمریکا، انگلستان، فرانسه، روسیه، ایران و نمونه‌هایی از کشورهای در حال توسعه، بر پایه اطلاعات موجود از بالاترین و پایین‌ترین رتبه‌ها در هر یک از شاخص‌های توصیفی مورد نظر (جدول ۱) و همچنین، گزارش تحلیلی فشرده‌ای از وضعیت کلی این کشورها بود.

## یافته‌ها

### توصیف برخی ویژگی‌های افراد با ناتوانی در کشورهای مورد مطالعه

بر اساس یافته‌های جدول ۱، در بین کشورهای مورد مطالعه پراکندگی بالایی در زمینه شاخص‌های جمعیت‌شناختی، نرخ بیکاری، آموزش و مناسب‌سازی فضای زندگی افراد با ناتوانی و حتی امضا و پذیرش این قطعنامه وجود داشت. برای بررسی چگونگی تحقق اهداف آن در بین کشورهای مورد مطالعه، در ادامه وضعیت اجرا و پیشبرد این قانون بررسی شد.

### وضعیت حقوق افراد با ناتوانی در کشورهای مورد پژوهش

**آمریکا:** ایالات متحده آمریکا از پیشگامان تصویب، اصلاح، به روزرسانی و اجرای قوانین گوناگون برای حمایت از افراد با انواع ناتوانی در جهان است. قانون جامع حمایت از افراد با انواع ناتوانی در سال ۱۹۹۰ و بازنگری آن در سال ۲۰۰۹ در بردارنده قوانین جداگانه‌ای در زمینه‌های زیر است (۱۰).

**قانون به کارگیری/ اشتغال:** این قانون بر لزوم به کارگیری افراد با انواع ناتوانی واجد شرایط از سوی کارفرمایانی که ۱۵ نفر و بیشتر را به کار گرفته‌اند، نظارت دارد و بازدارنده هر گونه تبعیض علیه این افراد و نابرابری در فراخوان‌های کاری، آزمون‌های استخدامی، به کارگیری، ارتقای شغلی، آموزش‌های ضمن کار، حقوق و مزایا و فعالیت‌های فوق برنامه/ اجتماعی است.

**قانون پوشش بهره‌مندی از فعالیت‌های ایالتی و فدرال:** به موجب این قانون، افراد با انواع ناتوانی مانند سایر شهروندان، از امتیاز استفاده و شرکت در فعالیت‌ها و برنامه‌های دولتی، ایالتی و فدرال در زمینه‌های آموزش عمومی، اشتغال، حمل و نقل، تفریح و سرگرمی، مراقبت‌های بهداشتی- سلامت، خدمات اجتماعی و قضایی، رأی دادن و شوراهای شهری برخوردار می‌باشند.

از سوی سازمان بهداشت جهانی و سایر سازمان‌های درگیر دیگر ادامه دارد. در این راستا، نه تنها مشکلاتی همچون وجود ملاک‌های چندگانه در تعریف ناتوانی و روش‌های متفاوت سنجش و سرشماری آن در هر کشور، درستی‌آزمایی این آمارها را دشوار می‌کند، بلکه رویارویی با پرسش‌های رو به افزایش نیز به سختی این کار افزوده است. پرسش‌هایی مانند آیا سوء تغذیه، سالخورده‌گی و از دست رفتن توانایی‌های جسمی و ذهنی، اختلالات شدید روانی، دردهای مزمن و ناتوان کننده، سوء مصرف الکل و مواد مخدر، اختلالات فربگی، شرایط ناتوان کننده‌ای که قابل بهبود و درمان هستند و سایر نمونه‌های مشابه نیز باید در دامنه تعریف «افراد با ناتوانی» گنجانده شود؟ (۶).

در نخستین گزارش سازمان بهداشت جهانی، تعداد این افراد ۱۰ درصد جمعیت جهانی برآورد شده بود و پس از چهار دهه با تعریف گسترده‌تر و در برگیرنده‌تر، این آمار به ۱۵ درصد افزایش یافت (۱). با این حال، زمانی که تصمیم برای تخصیص بودجه و ارائه خدمات با محدودیت‌های منابع مالی فرامی‌رسد، تعریف عملیاتی دقیق‌تر و محدودتری از سوی سیاست‌گذاران در سطح جهانی، منطقه‌ای و یا درون مرزی (هر کشور)، از حقوق و امتیازهای این افراد می‌شود (۷، ۶).

سالیان متمادی افراد با انواع ناتوانی، نه تنها همواره با شکل‌ها و میزان گوناگونی از برچسب‌ها، تبعیض، برون‌گذاری اجتماعی (Social exclusion)، بی‌مهری و حتی بدرفتاری روبه‌رو بوده، بلکه از پایه‌ای‌ترین حقوق انسانی همچون آموزش و پرورش، اشتغال و پذیرش اجتماعی به دلیل موانع نگرشی، فیزیکی، قانونی، اقتصادی و یا فرهنگی نیز محروم مانده‌اند. تلاش برای بهبود شرایط و احقاق حقوق افراد با ناتوانی، دهه‌هاست در گوشه و کنار جهان در جریان می‌باشد. ناهمگونی در ارزش‌گذاری، توجه و پرداختن به این امر مهم از سوی کشورهای گوناگون، منجر به برگزاری و تصویب کنوانسیون (Convention) سازمان ملل متحد و صدور ویراست جدید قطعنامه حقوق بشر این سازمان با پروتکل الحاقی حقوق معلولان/ افراد با ناتوانی (Committee on the Rights of Persons with Disabilities یا CRPD) این سازمان که بالاترین شکل توجه در سطح جهانی به بهبود و تضمین حقوق این افراد به شمار می‌رود، در ماه می سال ۲۰۰۸ شد. در این قطعنامه، سازمان‌های جهانی درگیر دیگر مانند سازمان بهداشت جهانی و بانک جهانی نیز برای حمایت و کمک به کشورها در اجرای آن همکاری دارند (۸، ۹).

طرح آغازین این پیمان‌نامه (کنوانسیون) در سال ۲۰۰۱ پیشنهاد و طی پنج سال از سوی کمیته مأمور آماده شد و در مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر سال ۲۰۰۶ مطرح و در مارس سال ۲۰۰۷ آماده امضا گردید و از ماه می سال ۲۰۰۸ با پذیرش و امضای اولیه ۲۰ کشور، به مرحله اجرا درآمد. از آن زمان، CRPD از سوی ۱۵۳ کشور (رو به افزایش) امضا شده است که تنها ۱۰۳ کشور آن را برای اجرا نیز تصویب کرده‌اند. ایران از جمله ۹ کشوری است که آن را امضا نکرده، اما بی‌درنگ برای اجرایی نمودن (Ratification) آن از سال ۲۰۰۹، گام برداشته است (۹، ۶). CRPD از جمله پیمان‌های سازمان ملل می‌باشد که حمایت گسترده‌ای در سطح جهان از کشورهای گوناگون و جهان اسلام داشته است.

هشت اصل مهم این کنوانسیون شامل احترام به کرامت (Dignity)، خودمختاری (Autonomy) و استقلال (Independence) همه این افراد؛ زمینه‌سازی برای مشارکت فعال و شامل شدن آن‌ها در اجتماع؛ احترام به

جدول ۱. توصیف برخی ویژگی‌های افراد با ناتوانی در کشورهای مورد مطالعه

کشور	ناتوانی در جمعیت (درصد)	تفکیک گروه‌های سنی (درصد)			نرخ بیکاری (درصد)	جمعیت دانش آموز / دانشجو (درصد)		مناسب‌سازی فضای زندگی (درصد)		قانون حمایت از افراد با ناتوانی
		کودک	بزرگسال	سالمند		عمومی	دانشگاهی	مسکونی	شهری - اجتماعی	
آمریکا	۱۸/۷	۶/۲	۱۰/۵	۳۶/۶	۱۳/۰	۱۳/۰	۶۰/۰	۸۰/۰	جهانی (سازمان ملل متحد CRPD)	
انگلستان	۱۹	۶/۰	۱۶/۰	۴۵	۱۶/۰	۹/۰	۱۶/۰	۷۶/۰	داخلی	
فرانسه	۱۱/۹	۵/۰	۷/۵	۳۰/۷	۱۱/۰	۱۰/۰	۸/۰	۶۰/۰	داخلی	
ایران	۱۲/۰	۱/۱۸	۱۳/۶۱	۷/۶	۱/۰	-	-	-	سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی)	
روسیه	۱۱	-	-	-	-	-	-	۱۰/۰	سال ۲۰۰۹ پذیرش برای اجرا و سال ۲۰۱۲ امضا شد.	
برخی کشورهای در حال توسعه	بیشترین: بنگلادش ۱۶/۲۱	-	-	-	کمترین: رواندا و سیشل ۴۴/۰ درصد	بیشترین نرخ راهیابی: فیلیپین	-	-	برزیل: سال ۱۹۸۸	
	کمترین: لائوس ۳/۰۸				بیشترین: جزیره موریس با ۸۹/۰ درصد	کمترین نرخ راهیابی: بورکینافاسو			گنا: سال ۲۰۰۶	
									خیر	

CRPD: Committee on the Rights of Persons with Disabilities

از چرخه آموزش و پرورش برون گذاشته شده بودند، فراهم گردید (۱۸-۱۶). تصویب این لایحه قانونی، نشانگر عزم راسخ و تعهد نمایندگان مردم این کشور بود که با به کارگیری ابزارهای قانون گذاری، درصدد گشودن راه‌هایی برای سیاست‌گذاری‌هایی بودند که زمینه‌ساز تحول‌های بنیادین در آموزش و پرورش این کشور شد. این قانون با پیش‌بینی و تأمین منابع مالی مورد نیاز در سطوح ملی، ایالتی و منطقه‌ای برای آموزشگاه‌ها، آن‌ها را ملزم به ارائه خدمات آموزشی و حمایتی متناسب با نیازهای ویژه دانش‌آموزان نمود (۱۷، ۱۴). بر پایه این قانون، دانش‌آموزان با ناتوانی‌هایی در زمینه‌های ذهنی، شنوایی، بینایی، هیجانی، عاطفی، جسمی-عضوی، اوتیسم، آسیب‌های مغزی، اختلالات ویژه یادگیری و سایر آسیب‌های سلامتی، واجد شرایط برخورداری آموزش و سایر خدمات ویژه رایگان هستند (۱۱).

اعتبارهای تخصیص یافته قانونی در زمینه فعالیت‌های تعریف شده موظف مانند آموزش رشد حرفه‌ای از پیش دبستان تا پایان دبیرستان، وسایل فن‌آوری و کمک آموزشی، ارائه خدمات تکمیلی (پیش‌نیاز دریافت خدمات آموزشی است) مثل حمل و نقل، خدمات بهداشت روانی، سایر خدمات تکمیلی و کمک‌رسانی، اجراء نظارت و بررسی شکایت‌ها و همچنین، فرایند شناسایی، جایابی و میانجی‌گری خدمات IDEA قابل هزینه است. دانش‌آموزان دارای ناتوانی واجد دریافت خدمات آموزشی مناسب و رایگان دولتی (Free and appropriate public education یا FAPE)، برنامه فردی شده آموزش (Individualized education program یا IEP) (۱۹) و محیط‌های آموزشی با کمترین محدودیت (Least Restrictive environments یا LRE) که بسته به نیاز در کلاس‌های عادی، خانه، بیمارستان یا سایر مراکز تخصصی مرتبط است، شناخته شدند (۲۱، ۲۰، ۱۷).

سیر تحولی تصویب و اصلاح قوانین آموزشی به ترتیب در ادامه آمده است. **قانون عمومی ۳۸۰-۹۳ PL در سال ۱۹۷۴:** قانون حق آموزش و پرورش و حفظ حریم خصوصی خانواده (The Family Educational Rights and Privacy Act یا FERPA) که به موجب آن، والدین دانش‌آموز زیر ۱۸ سال و دانش‌آموز ۱۸ سال و بالاتر حق دسترسی و بررسی پرونده‌های آموزشی و محتوای آن را یافتند. **قانون ۱۴۲-۹۴ PL در سال ۱۹۷۵:** همان‌گونه که پیش‌تر ذکر گردید، هدف قانون EAHCA، فراهم آوردن فرصت‌های برابر آموزشی برای دانش‌آموزان با ناتوانی مانند هم‌تایان غیر ناتوانشان بود و از ویژگی‌های مهم آن، حق اعتراض و طرح شکایت در زمینه تصمیم‌های آموزشی و پیگیری قضایی آن است. دامنه پوشش سنی این قانون، کودکان و نوجوانان ۵ تا ۲۲ ساله می‌باشد (۲۲).

**قانون ۵۲۴-۹۸ PL در سال ۱۹۸۴:** قانون آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای (The Vocational Education Act) که نه تنها آموزش و پرورش عادی و فنی و حرفه‌ای را برای افراد با انواع ناتوانی نیازمند آموزش‌های ویژه دربرمی‌گیرد، بلکه سایر محرومیت‌های قومی، نژادی، مذهبی و حتی محدودیت کاربرد زبان انگلیسی را نیز شامل می‌شود (۱۵).

**قانون ۳۷۳-۹۹ PL در سال ۱۹۶۸:** قانون حمایت از کودکان با ناتوانی (The Handicapped Children's Protection Act) که به موجب آن، دولت مکلف به پرداخت بخشی از هزینه‌های فرایندهای رسیدگی قضایی به شکایت والدین کودکان معلول علیه مراکز آموزشی در کوتاهی برای فراهم نمودن خدمات آموزشی رایگان و مناسب و سایر خدمات مرتبط شد (۲۲).

**قانون ۴۰۱-۹۹ PI در سال ۱۹۸۶:** قانون مراکز نگهداری

**قانون حمل و نقل:** بر پایه این قانون، تمام وسایل نقلیه درون و برون شهری عمومی باید نسبت به تغییر و مناسب‌سازی وسایل جابه‌جایی موجود اقدام نمایند و کارخانه‌های سازنده این وسایل از این پس محصول جدید را با رعایت تمام نیازمندی‌های این افراد تولید و عرضه کنند. همچنین، چنانچه ناتوانی شخصی به شکلی است که امکان کاربری وسایل عمومی را ندارد، خدمات جابه‌جایی ویژه برای رفت و آمد وی از سوی نهادهای ذی‌ربط ارائه شود.

**قانون دسترسی‌پذیری به مکان‌های عمومی:** پیرو این قانون، مکان‌های همگانی مانند رستوران‌ها، هتل‌ها، کلینیک‌ها و بیمارستان‌ها، فروشگاه‌ها، سالن‌های تئاتر و سینما، فرهنگسراها، آموزشگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی، موزه‌ها، باغ وحش، پارک‌ها و مکان‌های مشابه دیگر، باید شرایط دسترسی‌پذیری این افراد را فراهم و رعایت کنند، حتی اگر خدمات این مکان‌ها از سوی بخش خصوصی ارائه گردد.

**قانون فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات:** در این قانون، تمهیداتی برای افراد با اختلال شنیداری و گفتاری در استفاده از تلفن و تلویزیون اندیشیده شده و شرکت‌های مخابراتی را ملزم به ارائه خدمات ارتباطی تقویتی (رله) تمام وقت درون و برون ایالتی و با کمک دستیار (اپراتور) نموده است.

**قانون تأمین مسکن مناسب:** پیرو این قانون، هر گونه تبعیض در ارتباط با تهیه مسکن (خرید، رهن و اجاره) و خدماتی همچون وام، صدور انواع مجوز، نقشه ساختمان، تبلیغات و... بر پایه ناتوانی، جنس، نژاد، رنگ، مذهب و ملیت بازدارنده شده است. همچنین، بر مناسب‌سازی فضای درونی و بیرونی خانه‌ها در جهت راحتی و آسایش افراد با ناتوانی تأکید شده است.

**قانون سفر هوایی:** در این قانون، هر گونه تبعیض علیه افراد با انواع ناتوانی در سفرهای هوایی جلوگیری و شرایط دریافت خدمات مناسب فرودگاهی، جابه‌جایی‌ها در طول مسیر، سوار شدن به هواپیما و پیاده شدن از هواپیما و خدمات گمرکی و بار پیش‌بینی شده است. از این پس، کارخانه‌های سازنده هواپیماها نیز باید محصولات جدید را با رعایت تمام نیازمندی‌های این افراد تولید و عرضه نمایند.

**قانون انتخابات و رأی‌دهی:** از سال ۱۹۸۴ و اصلاحیه سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۹، برای رفاه بیشتر افراد با انواع ناتوانی برای شرکت در انتخابات ایالتی و فدرال، در راستای دسترسی‌پذیری و استفاده از تجهیزات، وسایل کمکی و دستیار پیش‌بینی شده است.

**قانون رفع موانع محیطی- ساختمانی:** بر پایه این قانون، همه ساختمان‌های دولتی و همگانی موظف به مناسب‌سازی فضای فیزیکی و دسترسی‌پذیری برای افراد با انواع ناتوانی با استفاده از منابع مالی دولتی شدند.

**قوانین آموزش و پرورش افراد با ناتوانی:** این قانون‌ها از سال ۱۹۷۰ تصویب و تاکنون چندین بار اصلاح و به روزرسانی شده است. در آمریکا تا قبل از دهه ۱۹۷۰ و تصویب قانون آموزش و پرورش برای همه کودکان (Education for All Handicapped Children یا EAHCA) (۱۲، ۱۱)، تنها یک کودک از پنج کودک ناتوان دسترسی محدودی به آموزش و پرورش داشت و میلیون‌ها کودک با ناتوانی‌های گوناگون از آن باز می‌ماندند. از زمان پیدایش این قانون و با اصلاح و افزودن متمم‌های دیگر به قانون اولیه و تغییر نام آن در سال ۱۹۹۰ به قانون آموزش و پرورش افراد با ناتوانی (یا IDEA (Individuals with Disabilities Education Act) (۱۵-۱۳)، فرصت‌های آموزشی قابل توجهی برای دسته‌های گوناگون کودکانی که به دلیل ناتوانی‌شان

کارگماری افراد با ناتوانی واجد شرایط کار ملزم شدند، بلکه در راستای تحقق اصل دوم این قانون، وظیفه دارند تا برای کارمند با ناتوانی شرایطی همچون مناسب‌سازی محیط کار، هماهنگی برای کمک‌رسانی و حتی واگذاری بخشی از وظایف شغلی فرد با ناتوانی به سایر کارکنان و رعایت مقررات کار نیمه وقت، انعطاف‌پذیری در زمینه زمان و مکان کار، دادن مرخصی برای دوره‌های درمانی و توان‌بخشی، برگزاری دوره‌های کارآموزی ویژه، تهیه و یا تغییر کاربری دستگاه‌ها و تجهیزات متناسب با نیاز فرد، آماده‌سازی بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های ویژه، مناسب‌سازی روش‌های سنجش و ارزیابی، داشتن پشتیبان (برای کمک به خواندن، نوشتن و...) را فراهم نمایند. بدیهی است که بی‌توجهی و عدم رعایت این قانون، قابل پیگرد قانونی است (۲۶). همچنین، بخشی از این قانون در زمینه آموزش مناسب و رایگان بدون تبعیض درباره افراد دارای ناتوانی است. با اصلاحیه قانون آموزش عالی در سال ۱۹۹۲، دامنه دربرگیرندگی این قانون به دوره‌های آموزش دانشگاهی نیز گسترش یافت (۲۷). بخش سفر و حمل و نقل این قانون ناظر بر مقرراتی است که نهادهای مرتبط باید برای مناسب‌سازی و کاربری آسان وسایل جابه‌جایی و خودروهای عمومی رعایت نمایند تا برای افراد با ناتوانی نه تنها دسترسی‌پذیری و کاربری آسان این وسایل امکان‌پذیر باشد، بلکه چنانچه خود آن‌ها نیز آمادگی کار در این صنعت را دارند، بتوانند از عهده انجام آن برآیند (۲۸). بخش سوم این قانون در زمینه خدمات، کالاها و سایر امکانات شهری و اجتماعی می‌باشد و این بر عهده نهادهای ذی‌ربط است تا امکان دسترسی و کاربری بهینه آن‌ها را برای افراد با ناتوانی فراهم آورند (۲۸).

از سال ۱۹۹۲، این قانون به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۱ با عنوان قانون «آموزش و پرورش ویژه افراد با ناتوانی» (Special Education Needs Disability Act) و در سال ۲۰۰۵ اصلاحیه «قانون رفع تبعیض علیه افراد با ناتوانی» و اخیرترین لایحه آن در سال ۲۰۰۶ با نام «برابری و چندگونگی» (Equality, Diversity, Act) برای در بر گرفتن همه تفاوت‌ها به تصویب رسید (۲۹). مجلس انگلستان این قانون را تصویب و ملکه آن را در فوریه سال ۲۰۰۶ تنفیذ نمود و دستور تشکیل کمیته‌ای ناظر بر رعایت حقوق بشر برابری همه شهروندان انگلیس در راستای فراهم نمودن حقوق و فرصت‌های برابر برای همه افراد در انجام کارکردهای عمومی مدنی-اجتماعی؛ اصلاح حقوق افراد با انواع ناتوانی؛ جلوگیری از هر گونه تبعیض و سوگیری بر پایه جنس، نژاد، تبار و مذهب و سایر موضوعات مرتبط داده شد. گفتنی است که در این قانون، همه الزامات حقوقی، اجرایی و مالی مربوط به سازمان‌ها و افراد درگیر در آن پیش‌بینی شده است (۲۹). علاوه بر این، کشور انگلیس کنوانسیون جهانی CRPD را در سال ۲۰۰۹ امضا و اجرای آن را پذیرفته است (۹).

**فرانسه:** در سال‌های نخستین قرن بیستم، آموزش و پرورش عمومی در فرانسه اجباری شد. در آن زمان دولت این کشور برای جلوگیری از هدر رفتن منابع مالی این طرح، به آلفرد بینه (روانشناس) مأموریت داد تا ابزاری برای شناسایی کودکان نیازمند کمک‌های آموزشی ویژه طراحی کند. بدین ترتیب نخستین ابزار سنجش توانایی‌های هوشی در تاریخ آموزش و پرورش جهان آماده گردید و فرانسه پیشگام طرح شناسایی و جداسازی دانش‌آموزان با انواع ناتوانی در جهان شد. با گذشت بیش از یک قرن، قانون حمایت از افراد با ناتوانی در سال ۲۰۰۵ در فرانسه به تصویب رسید. اگرچه مدت‌ها پیش از آن در راستای پیروی از اصل «آموزش و پرورش رایگان و سکولار برای همه» که در قانون

موقت و مهدکودک‌های بحران برای کودکان با ناتوانی (Temporary Child Care for Handicapped Children and Crisis Nurseries) که به موجب این قانون، بخشی از حقوق کلان ملی به عنوان «حمایت از حقوق کودکان» است. بوجه لازم برای سازمان‌های ایالتی جهت زیر پوشش قرار دادن موقتی کودکانی را که به دلایلی مانند داشتن ناتوانی شدید، بیماری مزمن، فوریت‌های خاص ناشی از آزار و بدرفتاری، در خطر هستند، فراهم نمود (۲۲).

**قانون ۴۷۶-۱۰۱ PL در سال ۱۹۹۰:** قانون آموزش و پرورش افراد با ناتوانی (IDEA) که مهم‌ترین اصلاحیه قانون اولیه EAHCA در سال ۱۹۷۵ می‌باشد و با تغییر نام قانون از «معلولان» به ناتوانی در راستای گسترش برنامه‌های موجود، خدمات دوره انتقال (به دوره‌های آموزشی بالاتر یا کاریابی) و همچنین، ارائه خدمات تخصصی به کودکان و نوجوانان دارای اختلالات عاطفی-هیجانی را نیز دربرگرفت. در بند C این قانون، دامنه سنی نوباوگی (نوزادی تا ۳ سالگی) نیز زیر پوشش قرار گرفت (۲۳).

**قانون ۱۱۹-۱۰۲ PL در سال ۱۹۹۱:** اصلاحیه IDEA بود و بند H آن برای اصلاح تعریف کودک با ناتوانی و زیر پوشش بردن دامنه سنی ۵-۳ سال و همچنین، کودکان با اختلالات یا تأخیر رشدی تصویب گردید. در این اصلاحیه، خدمات کمک دیداری، کمکی-فن‌آوری، حمل و نقل و زبان‌آموزی نیز به تعریف خدمات پیشگیرانه در این قانون افزوده شد.

**قانون ۱۱۰-۱۰۷ PL «هیچ کودکی نباید باز بماند» (NCLB یا No Child Left Behind)** که به موجب این قانون، دولت فدرال مکلف شد هزینه‌های برگزاری هر ساله آزمون‌های استاندارد را برای سنجش همه دانش‌آموزان و شناسایی زودهنگام مشکلات را در جهت اقدامات پیشگیرانه و دستیابی به این هدف که هیچ کودکی نباید از آموزش و پرورش و پیشرفت بازماند، تأمین نماید (۲۴).

**قانون ۹۵-۱۱۴ PL «هر دانش‌آموزی موفق می‌شود» (ESSA یا Every Student Succeeds Act)** که این قانون در جهت اصلاح قانون قبلی (NCLB) و کاهش بار مسؤلیت دولت فدرال برای پاسخگویی به مسایل آموزش و پرورش عمومی تصویب شد و مسؤلیت به سازمان‌های آموزش و پرورش ایالتی واگذار گردید تا با مناسب‌سازی برنامه‌های آموزشی، هدف آرمانی «کامیابی هر دانش‌آموز (با و بدون ناتوانی)» را برآورده نمایند (۲۵).

**انگلستان:** قانون آموزش و پرورش عمومی (Education Act) انگلستان از نخستین قانون‌های حمایت از حقوق افراد است که تصویب آن به سال ۱۸۷۰ باز می‌گردد، اما پس از گذشت بیش از یک قرن و در سال ۱۹۹۵، قانون جلوگیری از تبعیض علیه افراد با ناتوانی (Disability discrimination act یا DDA) به تصویب رسید. در این قانون، تعریف ناتوانی چنین آمده است؛ آسیب‌های فیزیکی/ جسمانی و یا روانی که به شکل بنیادین و در دراز مدت، توانایی‌های فرد برای گذران زندگی عادی و انجام کارهای روزانه را مختل کرده باشد. این قانون با هدف حمایت از افراد با انواع ناتوانی و غیر قانونی شمردن هر گونه تبعیض علیه آنان، نخستین بار در سال ۱۹۹۵ از سوی مجلس این کشور تصویب و در نوامبر سال ۱۹۹۵ از سوی ملکه انگلستان تنفیذ گردید و نخستین شورای ملی ناتوانی نیز تشکیل شد. این شورا موظف بود از رخداد هر گونه تبعیض علیه این افراد در زمینه‌های آموزش و پرورش، به کارگماری، دسترسی به کالاهای، تجهیزات و خدمات مورد نیاز جلوگیری نماید و فضای زندگی را برای آنان مناسب‌سازی و مدیریت کند (۲۶). بر پایه این قانون، نه تنها کارفرمایان برای به

کارکردی سلامتی که ناشی از بیماری، تصادف یا معلولیت است، رنج می‌برد؛ به گونه‌ای که این شرایط در حدی توانایی‌هایش را مختل کرده باشد که لازم باشد حمایت‌های اجتماعی دریافت کند». بر پایه گزارش سازمان ملل متحد (۲۰۰۳، ۹)، حدود ۱۳ میلیون نفر با انواع ناتوانی در روسیه زندگی می‌کنند که نیازمند حمایت و دریافت خدمات ویژه هستند، اما با وجود اصل ۳۹ قانون اساسی این کشور و تصویب قانون حمایت اجتماعی از این افراد، تاکنون پیشرفت چندانی مشاهده نشده است. در این گزارش دو مشکل عمده «نبود منابع مالی مورد نیاز و نگرش‌های نامناسب اجتماعی و فرهنگی» را دلیل اجرایی نشدن این قانون برشمردند. بیشتر مردم آن‌ها را سربار اجتماع می‌دانند و هر گونه تخصیص بودجه‌ای برای بهبود کیفیت زندگی آن‌ها را هدررفت منابع مالی محدود جامعه می‌دانند. تلاش‌هایی هم که تاکنون برای فراهم کردن خدمات آموزشی، رفاهی و سلامت این افراد صورت گرفته، به جای زمینه‌سازی برای مشارکت مستقل آنان در محیط‌های اجتماعی همگانی عادی، بیشتر به جداسازی آن‌ها از بافت‌های اجتماعی دامن زده است. از این رو، افراد با انواع ناتوانی در روسیه با کمترین میزان ارتباط با جهان بیرون، یا در خانه‌ها و یا در مراکز نگهداری و حمایتی زندانی می‌باشند. بر پایه این گزارش، با گذشت چندین سال از تصویب این قانون، هنوز هم دسترسی‌پذیری به مکان‌های عمومی، وسایل نقلیه درون و برون شهری و سایر امکانات و خدمات عمومی برای این افراد بسیار محدود است (۳۵، ۹).

سازمان دیدبان حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز وضعیت آموزش و پرورش افراد با ناتوانی و شرایط طرح یکپارچه‌سازی آموزش و پرورش را در این کشور نامناسب گزارش کرده است (۳۵). بر پایه گزارش این سازمان، کودکان و نوجوانان روسی با انواع ناتوانی از آموزش و پرورش متناسب با نیازهایشان و یا حتی از آموزش و پرورش پایه نیز برخوردار نیستند. گروهی هم که آموزشی دریافت می‌کنند، آن را در آموزشگاه‌های ویژه افراد استثنایی (برخی شبانه‌روزی) که دور از بسترهای اجتماعی مناسب برای رشد و پرورش همه جانبه آنان است، دریافت می‌کنند. برخی در خانه‌هایشان به امید بازدید یک معلم (نه الزاماً متخصص) برای چند ساعتی در هفته و ده‌ها هزار نفر از این کودکان در مراکز پناهگاهی مانند مرکز کودکان یتیم و بی‌سرپرست، فقط نگهداری می‌شوند. اگرچه دولت روسیه در حال سیاست‌گذاری‌هایی برای زمینه‌سازی اجرای طرح یکپارچه سازی آموزشی است، اما شرایط موجود از نظر وجود امکانات و زیرساخت‌های مناسب شهری و مدرسه‌ای نگران کننده می‌باشد. در مدرسه‌ها هنوز از وسایل کمک آموزشی، محتوای درسی، آموزشیاران متخصص و سایر امکانات مورد نیاز این کودکان خبری نیست. والدین این کودکان اگرچه به موجب قانون حق انتخاب یکی از گزینه‌ها همچون مدرسه‌های یکپارچه، مدرسه استثنایی، نگهداری در خانه با بازدید معلم و مراکز نگهداری پناهگاهی را برای کودک خود با ناتوانی را دارند، اما در واقعیت در اجرا نشدن طرح یکپارچه سازی آموزشی، ناگزیر به تن دادن به هر یک از گزینه‌های پیشنهادی دست‌اندرکاران آموزشی هستند (۳۶).

بر پایه گزارش یونیسف از مجموع کودکان با ناتوانی روسی، ۲۱۱ هزار کودک در مدارس استثنایی، ۴۵ هزار کودک در خانه با بازدید معلم سیار و ۱۷ هزار نفر هیچ خدمات آموزشی دریافت نکردند (۳۸، ۳۷). پاسخ دولت روسیه به گزارش سازمان دیدبان حقوق بشر، تعهد به اجرایی کردن این طرح تا سپتامبر سال ۲۰۱۶ و تحت پوشش بردن ۱۲۰ مدرسه در طرح یکپارچه سازی آموزشی

اساسی فرانسه وجود داشت و هم‌نویی با اهداف اژانس اروپایی برای آموزش و پرورش و یکپارچه سازی آموزشی، اقداماتی صورت گرفته بود، اما اجرای آن به طور رسمی به دنبال تصویب این قانون بود (۳۰). اجرای رسمی طرح یکپارچه سازی آموزشی با تصویب قانون ۲۰۰۵-۱۰۲ و لایحه‌های قانونی پس از آن با ماده‌های ۵-۱۱۲-۱-۱۱۲ آغاز گردید. به موجب این قانون، هیچ کودک یا نوجوانی با هر نوع ناتوانی نباید از جریان آموزش عمومی برون گذاشته شود و باید در نزدیک‌ترین مدرسه محل زندگی‌اش ثبت‌نام گردد و در صورت نیاز از کمک‌های ویژه مراکز تخصصی نیز بهره‌مند شود (۳۱).

بر پایه لایحه‌های قانونی «۲۰۰۵-۱۷۵۲»، به ترتیب کودک یا نوجوان با ناتوانی با ارجاع مدرسه باید در مراکز اجتماعی- درمانی تحت مراقبت‌های بهداشتی- آموزشی قرار گیرد. اصلاحیه ۱۲۶-۲۰۰۶ با ارجاع مدرسه و فراهم آوردن امکانات رفت و آمد، کودک یا نوجوان باید آموزش‌های حرفه‌ای فردی (Personalized schooling projects) دریافت نماید. لایحه قانونی ۲۷۸-۲۰۰۹ در زمینه مشارکت و همکاری بیشتر مدرسه‌ها با مراکز بهداشتی- بیمارستانی و بازدید کارشناسان حوزه سلامت از مدارس و همچنین، راه‌اندازی واحدهای آموزشی در مراکز مراقبت‌های بهداشتی- درمانی می‌باشد. لایحه ۹۰۳-۲۰۱۲ درباره عقد قرارداد با کارشناسان حوزه‌های تخصصی گوناگون متناسب با نیازهای کودک یا نوجوان با ناتوانی از سوی مدرسه و ارائه خدمات ویژه ادامه یافت. طی این سال‌ها، بودجه‌های تخصیص یافته با رشد ۳۱/۷ درصدی از ۱/۴ میلیارد یوروی اولیه به ۱۳/۷ میلیارد یورو و سپس به ۱۸/۳ میلیارد یورو افزایش یافت (۳۲). همچنین، بودجه جداگانه‌ای با عنوان «منابع مالی برای کودکان با انواع ناتوانی» در سال ۲۰۰۵ و با میزان ۵۲۱ میلیون یورو پیش‌بینی شد که تا سال ۲۰۱۰ به ۶۸۶ میلیون یورو افزایش یافت. تعهد دولت برای پرداخت حقوق و مزایای کارشناسان درونی و بیرونی مدرسه با تخصص‌های گوناگون در زمینه انواع ناتوانی نیز در همین سال‌ها رشد ۱۰۰ درصدی داشت (۳۲).

علاوه بر این، به موجب اصل ۲۷ قانون حمایت از افراد با ناتوانی، دولت فرانسه نه تنها زمینه سازی برای حقوق و فرصت‌های برابر، دسترسی‌پذیری و آموزش‌های حرفه‌ای و توان بخشی را در دستور کار خود قرار داد، بلکه برای ترغیب کارفرمایان در به کارگیری این افراد بسته تشویقی ۱۶۰۰ یورویی را برای کارفرمایی که فردی را با ناتوانی حداقل به مدت ۱۲ ماه پیوسته به کار گمارده باشد، معرفی نمود. همچنین، دولت متعهد شد که ۸۰ درصد هزینه‌های تجهیزات و منابعی را که برای مناسب‌سازی فضای کاری آنان صرف شده است، نیز پرداخت نماید (۳۳، ۳۲). گفتنی است که کشور فرانسه کنوانسیون CRPD را در سال ۲۰۰۸ و پروتکل الحاقی آن را در سال ۲۰۱۰ امضا نموده است (۹). اگرچه به گفته مقامات اجرایی درگیر، فرانسه در اجرای این قانون ۳۵ تا ۵۰ سال از کشورهایی مانند آمریکا و انگلستان عقب‌تر است، به ویژه این که هنوز در نگرش و پذیرش مردم تغییر درخور این قانون صورت نگرفته است و راه زیادی پیش رو می‌باشد (۳۲).

**روسیه:** در اصل سی و نهم قانون اساسی روسیه، حمایت اجتماعی (با منابع دولتی) برای افراد سالخورده، مبتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج، با انواع ناتوانی و بی‌سرپرست پیش‌بینی شده است. در سال ۱۹۹۵ نیز قانون فدرال حمایت اجتماعی از افراد با ناتوانی (Federal Law on Social Protection of Persons with Disabilities) در این کشور به تصویب رسید. در اصل یکم این قانون، «فرد با ناتوانی» چنین تعریف شده است: «فردی که از شرایط اختلالات

تبصره ماده یک این قانون، «فرد معلول کسی است که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد؛ به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود» (۴۳، ۴۲). این سازمان ناتوانی را در چهار دسته جسمی- حرکتی، شنیداری، دیداری و اختلالات روانی گنجانده است (۴۰). در این قانون جامع، علاوه بر پوشش گسترده خدمات و حل مشکلات موجود، اهدافی همچون مناسب‌سازی فضاهای شهری و دسترسی‌پذیری گذرگاه‌ها، بهبود کیفیت خدمات توان‌بخشی، خدمات پزشکی، پوشش بیمه‌ای، خدمات آموزشی به ویژه آموزش عالی، استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی، فرهنگی و وسایل حمل و نقل دولتی، کارآفرینی، اشتغال و خودپیشگی، خدمات قضایی و سیاست‌های پیشگیرانه نیز در دستور کار قرار دارد (۴۴، ۴۲). در این قانون به حقوق زنان با ناتوانی نیز توجه ویژه‌ای شده است. سهمیه حداقل ۳ درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی و کارگری) دستگاه‌های دولتی و عمومی برای افراد معلول واجد شرایط در دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند و سهمیه ۱۰ درصدی برای جانبازان، تأمین خدمات توان‌بخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه‌آموزی مورد نیاز معلولان با همیاری خانواده‌های آنان و همکاری بخش غیر دولتی و پرداخت یارانه/ کمک هزینه به مراکز غیر دولتی و خانواده‌ها، گسترش مراکز خاص نگهداری، آموزشی و توان‌بخشی معلولان واجد شرایط، بهره‌مندی از آموزش رایگان در آموزشگاه‌های وابسته به وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه‌های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی، واگذاری حداقل ۱۰ درصد از واحدهای مسکونی احداثی استیجاری و ارزان قیمت از سوی وزارت مسکن و شهرسازی، بانک مسکن و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به معلولان نیازمند بدون مسکن با معرفی سازمان بهزیستی از دیگر حقوقی می‌باشد که دولت موظف شده است تا زمینه‌های لازم را برای تأمین آن‌ها فراهم آورد (۴۲).

اصل ۱۱۹ قانون کار کشور نیز مراکز خدمات کار و اشتغال استانی را موظف به راه‌اندازی «دفتر حمایت از افراد با ناتوانی» کرده است که هنوز این دفاتر در برخی استان‌ها گشوده نشده است و یا فعال نیست (۴۰). همچنین، در راستای آسان‌سازی آموزش و حرفه‌آموزی این افراد، برای کارآفرینانی که در کار واردات تجهیزات و وسایل مورد نیاز این افراد درگیر هستند، بسته‌های حمایتی بخشودگی مالیاتی و عوارض گمرکی پیش‌بینی شده است (۴۰). در قانون «ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» نیز حمایت‌های قانونی لازم از افراد سالخورده، بدون کار، از کار افتاده، با انواع ناتوانی، بی/ بد سرپرست، در قالب انواع خدمات بهداشتی- درمانی و مالی از راه پوشش بیمه‌ای و غیر آن پیش‌بینی شده است (۴۶، ۴۵). با این حال، وجود موانع محیطی (۴۸، ۴۷) و نگرش‌های اجتماعی (۵۰، ۴۹)، از جمله بزرگ‌ترین بازدارنده‌های پیش روی افراد با ناتوانی برای مشارکت فعال در تحصیل، کار و زندگی اجتماعی محسوب می‌گردد (۵۱). آمار بالای بیکاری با وجود جمعیت جوان جویای کار در کشور، موجب کاهش روحیه همدلی جوانان و خانواده‌هایشان در این فضای رقابتی می‌شود و برآورد می‌گردد که نرخ بیکاری در افراد با انواع ناتوانی تا دو برابر بیشتر از شاخص بیکاری در کشور باشد. علاوه بر این، فقدان زیرساخت‌های مناسب کاری و شهری و نگرش منفی و سوگیری کارفرمایان، به این شرایط دامن زده‌است (۴۶، ۴۵). گزارش‌های پراکنده از آسیب‌شناسی اجرای طرح فراگیر/ تلفیقی در

در سراسر این کشور بوده است. در همین راستا، مجلس دومای روسیه مأموریت یافت تا اصلاحیه‌هایی به ۲۵ قانون ایالتی در زمینه حقوق افراد با انواع ناتوانی را تا ماه می سال ۲۰۱۴ آماده کند. این اصلاحیه‌ها شامل پرهیز از هر گونه تبعیض علیه این افراد، انجام تغییرات مورد نیاز در وسایل حمل و نقل عمومی، فراهم آوردن امکانات و آرایه هر گونه خدمات مورد نیاز این افراد می‌شد (۳۶). در زمینه شرایط به کارگیری افراد با ناتوانی در این کشور نیز با وجود اصل ۲۱ قانون فدرال حمایت اجتماعی از افراد با ناتوانی در راستای تخصیص سهمیه ۳ درصدی افراد با ناتوانی، وضعیت نامناسبی حاکم است. کارفرمایان روسی ترجیح می‌دهند که جرمه ناچیزی را که برای سرپیچی از این اصل در قانون پیش‌بینی شده است، بپردازند، اما فرد ناتوان را به کار نگیرند. دولت روسیه برای تغییر این وضعیت، با معرفی بسته تشویقی معافیت مالیاتی برای شرکت‌هایی که کارکنانی با ناتوانی داشته باشند، شرایط را اندکی بهبود بخشید، اما از سال ۲۰۰۰ به دنبال کاهش این حمایت‌ها، افت سریعی در نرخ به کارگیری این افراد مشاهده گردید که نخستین پیامدهای منفی آن، وابستگی روزافزون این افراد می‌باشد.

بر پایه آمار منتشر شده در سال ۲۰۰۹، از ۶ میلیون افراد با ناتوانی واجد شرایط کار، کمتر از ۱۳ درصد آن‌ها به کار اشتغال دارند. در اصل یکم این قانون برای حمایت اجتماعی از افراد ناتوان بدون کار، مقرری ماهیانه پیش‌بینی شده است که با توجه به نرخ تورم و شاخص‌های خط فقر در این کشور و با توجه به هزینه‌های بهداشتی- درمانی آنان بسیار ناچیز می‌باشد. همه این شرایط دست به دست می‌دهد و منجر به کاهش انگیزه افراد با ناتوانی برای تلاش در راستای رسیدن به یک زندگی مستقل و مناسب می‌شود. در این کشور نیز زنان با ناتوانی از شرایط سخت‌تری نسبت به مردان با ناتوانی برخوردار هستند (۳۵). گفتنی است که روسیه در سال ۲۰۰۸ پیمان CRPD را امضا نمود و با سال‌ها دیرکرد، در سال ۲۰۱۲ اجرای آن را پذیرفت (۹).

**جمهوری اسلامی ایران:** راه برابری حقوق افراد با ناتوانی در ایران مانند هر کشور دیگر، راه پر پیچ و خم و دشواری بوده است. برچسب‌زنی‌ها، بی‌توجهی و ناآگاهی دولت و مردم از نیازهای ویژه این افراد، از جمله بزرگ‌ترین سدهای گذر از این راه می‌باشد. آمار دقیقی از تعداد افراد با ناتوانی در ایران در دست نیست. بر پایه گزارش سازمان بهداشت جهانی، برآورد منابع دولتی در ایران از تعداد افراد با ناتوانی حدود ۴ درصد جمعیت ایران (۱)، در برخی گزارش‌های دیگر کمترین میزان ۱۳ در هر ۱۰۰۰۰ نفر (۳۹) و بیشترین آن ۱۲ درصد (۴۱، ۴۰)، شامل سه تا ده میلیون نفر است که ۲ میلیون نفر دارای معلولیت شدید و بیش از ۶/۵ میلیون نفر کم‌توان هستند. همچنین، برآورد تعداد آسیب دیدگان از دوران جنگ هشت ساله و پس از آن در عملیات گوناگون نظامی و انتظامی نیز بیش از ۴۰۰ هزار نفر است. از دهه ۱۳۴۰ برخی مقررات و لایحه‌های قانونی برای رسیدگی به وضعیت این افراد تصویب شده است و خاستگاه آن، لایحه جهانی ۱۹۵۹ بود که حقوقی را برای توان‌بخشی حرفه‌ای افرادی که به دلیل آسیب‌های جسمی و ذهنی توان کار کردن و یا ادامه کار نداشتند، پیش‌بینی کرده بود (۷).

«قانون جامع حمایت از معلولان» که با هدف کاستن از نابرابری و فقر افراد با ناتوانی در سراسر کشور با ۱۶ ماده و ۲۴ تبصره در اردیبهشت سال ۱۳۸۳ از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شد، جامع‌ترین و پیشروترین قانون در این زمینه به شمار می‌رود. مانند هر کشور دیگر، چالشی‌ترین کار «تعریف ناتوانی» است که راه‌ها را برای برخورداری از حقوق و امتیازها می‌گشاید. در

آموزش و پرورش نیز نشان دهنده مشکلات و چالش‌های بسیاری در این زمینه است (۵۳، ۵۲). لازم به ذکر است که کشور ایران پیمان‌نامه را امضا نکرده، اما در سال ۲۰۰۹ اجرای آن را پذیرفته است (۵۴). وضعیت کلی کشورهای در حال توسعه: بر پایه گزارش‌های جهانی، آمار افراد با ناتوانی در کشورهای در حال توسعه به دلیل فقر و گرسنگی، درگیری‌ها و کشمکش‌های ناشی از جنگ، بیماری‌های گوناگون، تنگناها و مشقات زندگی، تصادفات ترافیکی و سوانح حین انجام کار، آلودگی‌های زیست-محیطی، جهالت، خرافه‌پرستی، فقر فرهنگی و سوء مصرف مواد مخدر و دارو رو به افزایش است (۵۵). شرایط نامناسب پیش از تولد و بیماری‌های دوران بارداری، بیماری‌های عفونی-انگلی در کشورهای در حال توسعه شیوع فراوانی دارد. گزارش‌های ناتوانی ناشی از فلج اطفال، جذام، سل و عفونت‌های گوش و چشم نیز بارها تکرار شده‌اند. حتی در آن دسته از کشورهای در حال توسعه که برنامه‌های پیشگیرانه پزشکی محدودی نیز دارند، بیماری‌هایی همچون سرخک، سرخچه، کزاز، ورم مغزی، آبله و مالاریا به عنوان علت قابل توجهی از ناتوانی‌ها گزارش شده است (۵۶، ۴). همچنین، بین ناتوانی کودکان و تنگدستی به ویژه در مناطق روستایی و محله‌های پست شهری کشورهای در حال توسعه، همبستگی مشاهده شده است (۵۷). در برخی از این کشورها به تنهایی بیش از ۱۳ درصد از ناتوانی‌ها ناشی از جنگ است (۵۸). از آن‌جا که ناتوانی، توانمندی‌های فرد را در زمینه نوع کار و میزان انجام آن محدود می‌کند (۵۹)، در بیشتر کشورهای در حال توسعه، تفاوت در نرخ بیکاری افراد با ناتوانی در مقایسه با هم‌تایان عادی معنی‌دار می‌باشد و موانع زیادی برای ورود به بازار کار پیش روی آنان وجود دارد (۶۰، ۶۱). در این میان، زنان در این کشورها از تبعیض چندگانه رنج می‌برند و با انواع بیماری‌ها، تجاوز جنسی و خشونت، دچار آسیب‌های جسمی و روانی بیشتری می‌شوند (۶۲). بر پایه یافته‌های پژوهشی، دو سوم زنان معلول که در آسایشگاه‌ها زندگی می‌کنند، قربانی خشونت شده‌اند. زنان با ناتوانی در بازار کار شانس بسیار اندکی دارند و نسبت شغلی آنان بسیار کمتر از مردان است. یک چهارم مردان با ناتوانی مشغول به کار هستند؛ در حالی که کمتر از یک ششم زنان با ناتوانی به کاری مشغول هستند (۶۳، ۶۰). پژوهش‌ها میانگین سن ازکارافتادگی در این کشورها را ۳۶ سال گزارش کرده‌اند (۶۴، ۴). میانگین سال‌های تحصیل افراد با ناتوانی در مقایسه با افراد بدون ناتوانی در کشورهای در حال توسعه به طور معنی‌داری پایین‌تر از میانگین آن کشورها می‌باشد و تعدادی که از بین آن‌ها موفق به پایان رساندن دوره ابتدایی می‌شوند نیز بسیار پایین‌تر است (۶۵).

بر پایه گزارش یونسکو، ۹۰ درصد از کودکان با انواع ناتوانی در کشورهای در حال توسعه از تحصیل بازمانده‌اند (۳۳). وضعیت یکپارچه سازی آموزشی برای دانش‌آموزان با ناتوانی در این کشورها نامناسب و علاوه بر مشکلات و چالش‌هایی که در ماهیت اجرای این طرح در بیشتر کشورهای سراسر جهان وجود دارد، سدهای زیاد دیگری نیز بر سر راه کشورهای کم‌درآمد در انجام این رسالت جهانی وجود دارد که می‌توان به مواردی همچون نبود اراده سیاسی برای ایجاد تغییر در سامانه آموزشی موجود، بی‌ارزشی/بی‌فایده دانستن آموزش افراد با انواع ناتوانی، هدررفت بودجه‌های محدود برای آموزش آن‌ها از نظر مردم، نگرش‌های منفی اجتماعی و فرهنگ بنیاد درباره معلولیت این افراد (۶۶) اشاره نمود که همه نشان از نبود آگاهی و شناخت در بین افراد، خانواده‌ها، مدیران و سیاست‌گذاران این کشورها دارد.

## بحث

از اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد، پایش و تضمین حقوق بشر برای افراد با انواع ناتوانی، فقرزدایی، دستیابی به برابری جنسیتی، کاهش مرگ و میر کودکان و عرضه آموزش ابتدایی همگانی تا سال ۲۰۱۵ بوده است (۹). بسیاری از افراد با انواع ناتوانی به دلیل شرایط ویژه جسمی، اقتصادی و اجتماعی به مجموعه‌ای از امکانات همچون خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی، بهره‌مندی از برنامه‌های مهارت‌یابی و حرفه‌آموزی و خدمات کارپایی که در اختیار شهروندان عادی قرار دارد، دسترسی ندارند. این افراد در گوشه و کنار جهان و در کشورهای گوناگون به دلیل نگرش‌هایی که ریشه در باورها، آیین و اعتقادات دینی و فرهنگی مردم دارد، از جامعه طرد می‌شوند و همواره سنگینی سایه‌های تبعیض و بی‌توجهی را بر زندگی خود احساس می‌کنند. بی‌سوادی، بیکاری، فقر غذایی، پایین بودن سطح آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و عدم برخورداری از سرپناه مناسب، نقش دوگانه‌ای هم در بروز ناتوانی دارند و هم به عنوان پیامدهای آن به شمار می‌روند.

پیمان حقوق افراد با انواع ناتوانی، با هدف ارتقای سطح توانمندی‌های جسمی و ذهنی، گفتاری، شنیداری و بینایی به منظور احترام به کرامت و حرمت ذاتی، استقلال فردی، عدم تبعیض، مشارکت مؤثر و کامل در تلفیق با جامعه، احترام به تفاوت‌های آن‌ها و پذیرش ناتوانی به عنوان جزئی از تفاوت‌های انسانی، برابری، احترام به ظرفیت کودکان معلول و حقوق آنان، در سطح جهان تصویب گردید و بسیاری از کشورها آن را به رسمیت شناختند و پایبندی خود را برای اجرای مفاد آن اعلام نمودند. پذیرش این پیمان جهانی از سوی کشورها، نه تنها به منزله تضمینی برای رعایت حقوق افراد با ناتوانی است، بلکه تعهدی بر این است که هیچ قانون، آیین‌نامه، دستور و تصمیم اداری و اجرایی نباید موجب تبعیض علیه این افراد گردد.

مرور وضعیت اجرا و پیشبرد این قانون در نمونه‌های مورد مطالعه پژوهش حاضر، نه تنها وجود پراکندگی بالا در زمینه شاخص‌های جمعیت‌شناختی، نرخ بیکاری، آموزش، مناسب‌سازی فضای زندگی و حتی امضا و پذیرش این قطعنامه را آشکار ساخت (جدول ۱)، بلکه نشانگر شکاف زیادی نیز در بین کشورها در دستیابی به اهداف آن بود. برخی کشورها مانند آمریکا، سال‌ها پیش از تصویب این پیمان مجموعه قوانینی را در همین راستا تصویب و اجرا نموده‌اند؛ در حالی که وضعیت حقوق این افراد در کشورهای در حال توسعه نگران‌کننده و در سطح حداقل‌هایی مانند جلوگیری از بردگی و



### پیشنهادها

دستیابی به اهداف قانون حقوق افراد با انواع ناتوانی، نه تنها نیازمند تصویب و اجرای قوانین و یا اصلاح ساختارها است، بلکه در گرو تغییر در نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی برای پذیرش و احترام به کرامت انسانی این افراد نیز هست تا همراه با بسترسازی‌های محیطی، مناسب‌سازی برنامه‌های آموزشی - حرفه‌ای و مدیریت بودجه و امکانات کارساز باشد.

### نتیجه‌گیری

در پیمان جهانی حقوق افراد با انواع ناتوانی، تا حدودی تمامی جنبه‌های انسانی و حقوقی مرتبط با این افراد به خوبی پوشش داده شده و بر راهبردهای توسعه پایدار، برابری فرصت‌ها و رفع تبعیض از این افراد به ویژه در کشورهای در حال توسعه پافشاری شده است، اما پیشبرد آن با چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌باشد. بدیهی است که با اصلاح ساختارهای اجتماعی - اقتصادی، از بین بردن فقر، محرومیت و بیکاری، ارائه خدمات روزافزون بهداشتی و پزشکی و انجام سایر اقدامات لازم، می‌توان ناتوانی را پیشگیری و آن را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داد و وظیفه هر کشور است تا با ارائه خدمات پشتیبانی و مراقبتی در زمینه‌هایی همچون درمان، مسکن، بیمه و کار برای بهبود شرایط زندگی و رسیدن به خودکفایی و استقلال آنان، تلاش نماید.

### تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از پشتیبانی حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا (س) در انجام این پژوهش، تشکر و قدردانی می‌گردد.

### نقش نویسندگان

مسئولیت مقاله از ابتدا تا انتها با نویسنده مقاله (مهناز اخوان تفتی) بوده است.

### منابع مالی

پژوهش حاضر از محل اعتبار پژوهشی (گرننت) و با پشتیبانی حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا (س) انجام گرفته است.

### تعارض منافع

این مقاله نویسنده همکار ندارد و از این‌رو تعارض منافی وجود ندارد.

زندگی، زدودن هویت ناتوانی و جایگزینی هویت و کرامت انسانی، پیشگیری از تحقیر، آزار و خشونت می‌باشد. فقر و محرومیت‌های چندگانه افراد با ناتوانی در این کشورها، به طور معنی‌داری بیشتر از افراد بدون ناتوانی در همان کشورها و افراد با ناتوانی در سایر کشورها بود. از زمان پدید آمدن آموزش و پرورش رسمی در کشورهای گوناگون، سالیان درازی کودکان با انواع ناتوانی از آن محروم بوده‌اند. نرخ سوادآموزی برای افراد با ناتوانی در کشورهای در حال توسعه برای مردان ۳ درصد و برای زنان تنها ۱ درصد گزارش شده است. یافته‌ها نشان داد که بهترین پوشش آموزشی افراد با انواع ناتوانی به ویژه در آموزش دانشگاهی، به ترتیب متعلق به کشورهای آمریکا و انگلستان است. در ایران تعداد دانش‌آموزان استثنایی ۱ درصد جمعیت مدرسه‌ای گزارش شده است که خیل عظیمی از دانش‌آموزان با مشکلات و ناتوانی‌های رشدی - یادگیری را دربر نمی‌گیرد (۶۸، ۶۷).

بر پایه گزارش سازمان جهانی کار، بیش از نصف افراد سن کار در جهان از نوعی ناتوانی رنج می‌برند و با وجود وضع قوانین حمایتی، سهمیه‌بندی و بسته‌های تشویقی برای به کارگیری افراد با انواع ناتوانی در کشورهای مختلف، این افراد هنوز از فرصت‌های کاری برابر با هم‌تایان عادی خود برخوردار نیستند. در زمینه وضعیت اشتغال افراد با ناتوانی، کشور سوئیس با بالاترین نرخ به کارگیری این افراد (بیش از ۶۹ درصد)، بهترین جایگاه را در بین کشورهای پیشرفته و نیز در جهان به خود اختصاص داده است و کشورهای رواندا و سیشل با اشتغال ۵۶ درصدی این افراد، بالاترین رتبه را در بین کشورهای در حال توسعه دارند. ایران با ۲۱ درصد نرخ اشتغال برای این افراد، رتبه نهم از بین ده کشور با پایین‌ترین نرخ اشتغال و روسیه با تنها ۱۳ درصد، سومین رتبه بین آن ده کشور و جزیره موریس با پایین‌ترین نرخ (۱۱ درصد)، اولین رتبه را در بیکاری افراد با انواع ناتوانی دارد. از نظر مناسب‌سازی و دسترسی‌پذیری فضاها و امکانات شهری - اجتماعی همگانی نیز کشور آمریکا بهترین جایگاه را در جهان به خود اختصاص داده است. این زیرساخت‌ها در کشورهای در حال توسعه فاصله زیادی با استانداردهای جهانی دارد.

### محدودیت‌ها

یکدست نبودن در نوع و حجم اطلاعات موجود درباره کشورهای گوناگون در منابع مورد پژوهش، کار تحلیل و مقایسه کشورها در این زمینه را بسیار دشوار نمود. با وجود تلاش زیاد برای دستیابی به آمارهای مورد نیاز، اما برخی از آمارها (جدول ۱) و شاخص‌ها یافت نشد.

### References

1. World Health Organization. World Report on Disability 2011 [Online]. [cited 2011]; Available from: URL: [http://www.who.int/disabilities/world\\_report/2011/report.pdf](http://www.who.int/disabilities/world_report/2011/report.pdf)
2. United Nations. Convention on the Rights of Persons with Disabilities. Professional Training Series No. 15 [Online]. [cited 2008]; Available from: URL: [http://www.ohchr.org/Documents/Publications/AdvocacyTool\\_en.pdf](http://www.ohchr.org/Documents/Publications/AdvocacyTool_en.pdf)
3. Altman BM. Disability definitions, models, classification schemes, and applications. In: Albrecht GL, Seelman K, Bury M, editors Handbook of disability studies. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications; 2001.
4. Mitra S, Posarac A, Vick B. Disability and poverty in developing countries: a snapshot from the world health survey. Social Protection Discussion Paper; No. SP 1109. Washington, DC: World Bank; 2011.
5. Mont D. Measuring Disability Prevalence. Social Protection Discussion Paper; No. 0706. Washington, DC: World Bank; 2007.
6. Moore A, Kornblat S. Advancing the rights of persons with disabilities: A US-Iran dialogue on law, policy, and advocacy. Washington, DC: Blue Law International; 2011. p. 7-14.
7. International Labor Organization. R099 - Vocational Rehabilitation (Disabled) Recommendation, 1955 (No. 99) [Online].

- [cited 2016]; Available from: URL:  
[http://www.ilo.org/dyn/normlex/en/f?p=NORMLEXPUB:12100:0::NO::P12100\\_INSTRUMENT\\_ID:312437](http://www.ilo.org/dyn/normlex/en/f?p=NORMLEXPUB:12100:0::NO::P12100_INSTRUMENT_ID:312437)
8. United Nations, General Assembly. Final report of the Ad Hoc Committee on a Comprehensive and Integral International Convention on the Protection and Promotion of the Rights and Dignity of Persons with Disabilities 2006 [Online]. [cited 2006 Dec 6]; Available from: URL: <http://www.un.org/esa/socdev/enable/rights/ahcfinalrepe.htm>
  9. United Nations. Convention on the Rights of Persons with Disabilities. Report of the Third Session of the Conference of States Parties to the Convention on the Rights of Persons with Disabilities [Online]. [cited 2010]; Available from: URL: [http://www.un.org/disabilities/documents/COP/cosp3\\_advance\\_unedited\\_report.pdf](http://www.un.org/disabilities/documents/COP/cosp3_advance_unedited_report.pdf)
  10. US Department of Justice, Civil Rights Division, Disability Rights Section. A Guide to Disability Rights Laws [Online]. [cited 2009 Jul]; Available from: URL: <https://www.ada.gov/cguide.htm>
  11. US Government Publishing Office. Education for All Handicapped Children Act of 1975, Pub. L. No. 94-142, 89 STAT. 773
  12. Keogh BK. Celebrating PL 94-142: The education of all handicapped children act of 1975. *Issues in Teacher Education* 2007; 16(2): 65-9.
  13. US Government Publishing Office. Individuals with Disabilities Education Act of 1990, Pub. L. No. 101-476, 104 STAT. 1103.
  14. Seligman TJ. An idea schools can use: lessons from special education legislation. *Fordham Urban Law Journal* 2001; 29(2): 759-90.
  15. Aleman SR. Education of the Handicapped Act Amendments of 1990, P.L. 101-476: A Summary. CRS Report for Congress. ERIC Number: ED343318. Washington, DC: Congressional Research Service; 1991. p. 32.
  16. Gartner A, Lipsky DK. Beyond special education: Toward a quality system for all students. *Harvard Educational Review* 1987; 57(4): 367-96.
  17. Prager S. An "IDEA" to consider: adopting a uniform test to evaluate compliance with the IDEA's least restrictive environment mandate. *N Y L Sch L Rev* 2014/2015; 59(4): 653-78.
  18. Akhavan Tafti M, Zolfagharian F. Design and experimentation of Wordmaginating method for teaching the children with learning disabilities. *Middle Eastern Journal of Disability Studies* 2015; 5(11): 39-48. [In Persian].
  19. La Salle TP, Roach AT, McGrath D. The relationship of IEP quality to curricular access and academic achievement for students with disabilities. *Int J Spec Educ* 2013; 8(1): 135-44.
  20. Etscheidt S. The excusal provision of the IDEA 2004: Streamlining procedural compliance or prejudicing rights of students with disabilities? *Prev Sch Fail* 2007; 51(4): 13-8.
  21. Yell ML, Shriener JG, Katsiyannis A. Individuals with disabilities education improvement act of 2004 and IDEA regulations of 2006: Implications for educators, administrators, and teacher trainers. *Focus Except Child* 2006; 39(1): 1-24.
  22. US Department of Health and Human Services, Administration on Children, Youth and Families, Children's Bureau. Child maltreatment 2013 [Online]. [cited 2015 Jan 15]; Available from: <http://www.acf.hhs.gov/programs/cb/research-data-technology/statistics-research/child-maltreatment>
  23. Weber MC. Reflections on the new individuals with disabilities education improvement act. *Florida Law Review* 2006; 58: 7-51.
  24. McLaughlin MJ. Evolving interpretations of educational equity and students with disabilities. *Exceptional Children* 2010; 76(3): 265-78.
  25. US Department of Education. Every Student Succeeds Act (ESSA) [Online]. [cited 2015]; Available from: URL: <http://ed.gov/essa>
  26. UK Government. Disability Discrimination Act 1995. Reprinted 2002 [Online]. Available from: URL: [http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1995/50/pdfs/ukpga\\_19950050\\_en.pdf](http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1995/50/pdfs/ukpga_19950050_en.pdf)
  27. UK Government. Disability Discrimination Act 2005 [Online]. Available from: URL: [http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2005/13/pdfs/ukpga\\_20050013\\_en.pdf](http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2005/13/pdfs/ukpga_20050013_en.pdf)
  28. Papworth Trust. Disability in the United Kingdom 2013 Facts and Figures. [Online]. [cited 2013 Dec]; Available from: URL: <http://www.papworthtrust.org.uk/sites/default/files/Facts%20and%20Figures%202013%20web.pdf>
  29. UK Government. Equality Act 2006 [Online]. Available from: [http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/3/pdfs/ukpga\\_20060003\\_en.pdf](http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/3/pdfs/ukpga_20060003_en.pdf)
  30. European Agency for special needs and Inclusive Education. France Overview [Online]. [cited 2013 Sep 20]; Available from: URL: <https://www.european-agency.org/country-information/france/national-overview/complete-national-overview>
  31. Academic Network of European Disability experts (ANED). National accessibility requirements and standards for products and services in the European single market: overview and examples [Online]. [cited 2013 Jan]; Available from: URL: <http://ec.europa.eu/social/BlobServlet?docId=14840&langId=en>
  32. European Commission. Fifth Disability High Level Group Report on Implementation of the UN Convention on the Rights of Persons with Disabilities [Online]. [cited 2012 May]; Available from: URL: [http://ec.europa.eu/justice/discrimination/files/dhlg\\_5th\\_report\\_en.pdf](http://ec.europa.eu/justice/discrimination/files/dhlg_5th_report_en.pdf)
  33. The United Nations Organization for Education, Science and Culture (UNESCO). The Right to Education for Persons with Disabilities. Monitoring of the Implementation of the Convention and Recommendation against Discrimination in Education (8<sup>th</sup> Consultation) [Online]. [cited 2015]; Available from: URL: <http://unesdoc.unesco.org/images/0023/002325/232592E.pdf>
  34. United Nations. Draft Convention on the Rights of Persons with Disabilities Some Facts about Persons with Disabilities [Online]. [cited 2006]; Available from: URL: <http://www.un.org/esa/socdev/enable/rights/ahc8adart.htm>

35. Refugee Review Tribunal, Australia. RRT Research Response [Online]. [cited 2009 Oct 19]; Available from: URL: <http://www.refworld.org/pdfid/4f3f818f2.pdf>
36. United Nations. Human Rights Watch. Left Out? Obstacles to Education for People with Disabilities in Russia [Online]. [cited 2015 Sep 1]; Available from: URL: <http://www.refworld.org/docid/55e56c504.html>
37. The United Nations Children's Fund (UNICEF). Education for children with disabilities in Russia-opportunities and challenges [Online]. [cited 2016]; Available from: URL: [http://www.unicef.org/ceecis/4\\_\(4\)\\_O\\_Remenets\\_Educational\\_Opportunities\\_for\\_children\\_with\\_disabilitlies.pdf](http://www.unicef.org/ceecis/4_(4)_O_Remenets_Educational_Opportunities_for_children_with_disabilitlies.pdf)
38. Martz E. An exploratory study on attitudes toward inclusive education in Russia. *Int J Rehabil Res* 2005; 28(2): 141-7.
39. Soltani S, Khosravi B, Salehiniya H. Prevalence of disability in Iran. *Iran J Public Health* 2015; 44(10): 1436-7.
40. Alaedini P. Training and employment of people with disabilities: iran 2003 (An Ability Asia Country Study). Bangkok, Thailand: International Labor Office; 2004.
41. Goodrich NH. A Persian Alice in disability literature Wonderland: Disability studies in Iran. *Disabil Stud Q* 2014; 34(2): 1-19.
42. Islamic Parliament Research Center of IRI. Comprehensive Law of the Rights of Persons with Disabilities 2004 [Online]. [cited 2004]; Available from: URL: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94044>
43. The Center for Human Rights' Studies. Selected international documents on human rights. Tehran, Iran: School of Law and Political Sciences, University of Tehran; 2003. [In Persian].
44. Kamali M. Human rights and disabilities. *Journal of Social Welfare* 2004; 3(13): 41-56. [In Persian].
45. Kamali M. The Status of rehabilitation in the comprehensive system of welfare and social security. *Journal of Social Security Rights* 2005; 1(2-3): 37-50. [In Persian].
46. Salamati P, Karbaksh M, Sadeghian S, Togha M, Rotami R, Sadeghi M. Health status in Iran. *The Maghreb Review* 2009; 34(1): 4-17. [In Persian].
47. Babazadeh M. A Study of knowledge, attitude and performance of Isfahan city's administrators in providing accessibility features for handicapped [MSc Thesis]. Tehran, Iran. University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences; 2002. [In Persian].
48. Abdi Daneshpoor Z. Accessibility features around town for handicapped. A guide for sensory-motor handicapped. Tehran, Iran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences; 2006. [In Persian].
49. Coldi AR. Change of attitude and social impact. Tehran, Iran. University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences Press; 1999. [In Persian].
50. Etezadi S. Attitude of students from universities of Tehran towards handicapped [MSc Thesis]. Tehran, Iran: Iran University of Medical Sciences; 2008. [In Persian].
51. Salehpour Y, Adibsereshki N. Disability and Iranian culture. Tehran, Iran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Department of Special Needs; 2001. p. 360-6. [In Persian].
52. Hallajrani F. Redefining disability in Iran through entertainment education [MSc Thesis]. Toronto, ON: OCAD University; 2014.
53. Nowzohoori R. Pathology of inclusive education. *Journal of Exceptional Education* 2009; 97: 74-80. [In Persian].
54. United Nations. Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran. Report of the Secretary-General [Online]. [cited 2015]; Available from: URL: [www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/.../A\\_HRC\\_28\\_26\\_ENG.doc](http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/.../A_HRC_28_26_ENG.doc)
55. Durkin SO, Maenner M. Screening for developmental disabilities in epidemiologic studies in low-and middle-income countries. In: Okpaku MS, editor. *Essentials of Global Mental Health*. New York, NY: Cambridge University Press; 2014. p. 187-94.
56. Drainoni ML, Lee-Hood E, Tobias C, Bachman SS, Andrew J, Maisels L. Cross-disability experiences of barriers to health-care access. *J Disabil Policy Stud* 2006; 17(2): 101-15.
57. Evans T. The impact of permanent disability on rural households: River blindness in Guinea. *IDS Bulletin* 1989; 20(2): 41-8.
58. Alkire S, Santos ME. Acute multidimensional poverty: A new index for developing countries. Working Paper 38. Oxford, UK: Oxford Poverty and Human Development Initiative; 2010
59. Gertler Paul, Gruber J. Insuring consumption against illness. *Am Econ Rev* 2002; 92(1): 51-70.
60. Contreras DG, Ruiz-Tagle JV, Garcez P, Azocar I. Socio-economic impact of disability in Latin America: Chile and Uruguay. Santiago, Chile: The University of Chile, Department of Economy; 2006.
61. Meyer BD, Mok WKC. Disability, earnings, income and consumption. Working Paper No. 06.10. Chicago, IL: Harris School of Public Policy Studies, University of Chicago; 2008.
62. Bourguignon F, Chakravarty SR. The measurement of multidimensional Poverty. *J Econ Inequal* 2003; 1(1): 25-49.
63. Sen A. *The Idea of justice*. 1<sup>st</sup> ed. London, UK: Penguin Books; 2010
64. Helander E, Mendis P, Nelson G. Training disabled people in the community: A manual on community-based rehabilitation for developing countries. Geneva, Switzerland: WHO; 1983.
65. Filmer D. Disability, poverty and schooling in developing countries: Results from 14 household surveys. *World Bank Econ Rev* 2008; 22(1): 141-63.
66. Mariga, L, McConkey R, Myezwa, H. Inclusive education in low-income countries: A resource book for teacher educators, parent trainers and community development workers. Cape Town, South Africa: Atlas Alliance and Disability Innovations Africa; 2014.
67. Akhavan Tafti M. Acknowledging the difference: Lessons from differentiated instruction, multiple intelligences, and visual-spatial learning theories for students with learning disabilities. *Applied Psychology* 2014; 2(6): 1-10.
68. Akhavan Tafti M, Asadi Bideshki S. The comparison and analysis of errors in the writing of elementary school boy students with and without dysgraphia. *J Learn Disabil* 2012; 1(3): 6-28. [In Persian].

## Convention on the Rights of Persons with Disabilities: A Review of Challenges and Gaps in its Implementation in Some Countries

Mahnaz Akhavan-Tafti<sup>1</sup>

### Review Article

#### Abstract

**Introduction:** According to the World Health Organization report, the number of individuals with disabilities who are the largest non-racial minority is estimated to be 1 billion, out of which 20% are among the poorest people in the world. The aim of this research was to review and compare the performance of countries under study on the implementation and advancement of United Nations (UN) Convention of the Rights of Persons with Disabilities (CRPD).

**Materials and Methods:** Countries included in this research were the United States, the United Kingdom, France, Russia, Iran and some developing countries. Information about these countries was gathered through an extensive search in world's scientific databases.

**Results:** Results were presented in 2 parts: description of some of the characteristics of persons with disabilities; and a review of the rights of persons with disabilities regarding to education; employment, accessibility to services, public accommodations and modifications. Results showed a significant gap and uneven progress among researched countries, and each of them were facing specific constraints and challenges in its implementation and advancement.

**Conclusion:** Achieving the objectives of CRPD not only requires the rights treaty and modification of structures, but also is dependent on the change in social and cultural attitudes of people in accepting and having due respect for the dignity of these people. It also needs environmental arrangements, educational and professional upgrading and management of resources and funds.

**Keywords:** Convention of the rights of persons with disabilities, Education, Employment, Accessibility to services, Public accommodations and modifications

**Citation:** Akhavan-Tafti M. **Convention on the Rights of Persons with Disabilities: A Review of Challenges and Gaps in Its Implementation in Some Countries.** J Res Rehabil Sci 2016; 12(3): 173-84.

Received date: 07/07/2016

Accept date: 08/09/2016

1-Associate Professor, Department of Educational Psychology, School of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran  
**Corresponding Author:** Mahnaz Akhavan-Tafti, Email: makhavan@alzahra.ac.ir